

قصه داشتیم بیست و هفتم شهر یور را بهانه‌ای کنیم برای گرامیداشت یاد و خاطره استاد فرزانه دکتر عبدالحسین زرین کوب. اگرچه برای علاقه‌مندان به فرهنگ و ادبیات، هر روز بهانه‌ای هست برای بزرگداشت یاد آن بزرگوار، اما روزها و مناسبت‌ها فرصتی فراخ‌تر است. اما بنا به دلایلی این گرامیداشت را موقوف به انتشار ویژه نامه‌ای کردیم و در این شماره فقط مقاله‌ای را که دوست بزرگوار و ارجمند علی دهباشی با بزرگواری در اختیارمان گذاشت و بخشی از نوشته خانم دکتر قمر آریان همسر گرانقدر دکتر زرین کوب را چاپ کردیم و سایر نوشته‌ها و مطالب فراهم آمده درباره دکتر زرین کوب را گذاشتیم تا ویژه‌نامه استاد.

گذشت کاروان عمر نرمک نرمک ما را به سالگرد درگذشت دکتر عبدالحسین زرین کوب نزدیک می‌سازد و جای خالی او را دیگر بار به خاطرمان می‌آورد که در سایه گسترده این درخت پر برگ و بار بود که تمامی رهروان و دلبستگان ادب و فرهنگ فارسی و ایرانی فرصت آسایش می‌یافتند. استاد ما دکتر عبدالحسین زرین کوب دانش آموخته و رهرو نهضت نوین فرهنگی ایران بود که از سالهای آغازین سده اخیر با ظهور فرهیختگانی چون علامه علی‌اکبر دهخدا، علامه محمد قزوینی، ملک الشعراء بهار، بدیع الزمان فروزانفر، مجتبی مینوی، دکتر محمد معین، دکتر ذبیح‌الله صفا، عباس اقبال آشتیانی، ابراهیم یورداد، و... آغاز گشته و می‌کوشید تا با نگاهی منتقدانه و عالمانه به میراث ادبی و فرهنگی ایران زمین، گوهر بی‌همتای ادب و فرهنگ فارسی را از ویرانی و آلودگی رهاکننده و زبان کهن فارسی را از خشو و زوائد بیجا پیراسته و نهال ادبیات نوین ایران را بارور سازد. از این روی دکتر زرین کوب به نسلی از دانشوران ایران تعلق داشت که مفهوم امروزی و ژرف سنت و فرهنگ ایرانی را پرورش داده‌اند. فعالیت شبانه‌روزی این مرد برجسته و کم‌نظیر در راستای اهداف ژرف وی و دیگر یاران متقدم و متاخرش، شکل‌دهنده نهایی‌ترین تصویر و توصیف عالمانه از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران زمین است.



دکتر عبدالحسین زرین کوب

نهضت نوین فرهنگی ایران



۲۷ شهریور
سالگرد
خاموشی
دکتر زرین کوب

دکتر زرین کوب در دوره‌ای برای تحصیل در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران قدم نهاد که هنوز استادان بزرگ زبان و ادبیات فارسی همچون بدیع الزمان فروزانفر، ملک الشعرای بهار، عباس اقبال آشتیانی، و... در قید حیات بودند. در واقع ویژه‌گی خاص این گروه آن بود که جمله‌گی بلاواسطه دانش آموخته

فعالیت شبانه‌روزی این مرد برجسته و کم‌نظیر در راستای اهداف ژرف وی و دیگر یاران متقدم و متاخرش، شکل دهنده نهانی‌ترین تصویر و توصیف عالمانه از فرهنگ، تاریخ و ادب ایران زمین است

مدارس سنتی و لاجرم بر مباحث و مبانی سنتی ادب ایران که علاوه بر لغت و معانی و بیان و بدیع با علوم دیگر از قبیل حکمت، تصوف، و قرآن و حدیث سخت آمیخته است، مسلط بودند. با این همه آنچه بیش از همه با ادبیات کهن ایرانی و به ویژه نثر فارسی پیوند خورده، تاریخ است. همین رابطه تنگاتنگ است که موجب خلق شاهکاری عظیم چون شاهنامه گردیده که هم تاریخ است و هم ادب، یا تاریخ بیهقی که آکنده از ظرائف و توصیفات متعالی ادبی و همچنان از بهترین نمونه‌های نثر نویسی فارسی است. و در پرتو همین سنت بود که استادان نامداری چون قزوینی، تقی‌زاده، فروغی، نفیسی، عباس اقبال و... جمله‌گی در هر دو زمینه ادب و تاریخ برجسته شدند و همچنان پیوستگی این دو معنا را در بستر هویت فرهنگی ایران زمین حفظ کردند.

استاد ما نیز ادیب و تاریخ‌نگار بود. در او تاریخ و ادبیات در هم پیوسته بود، تاریخ را از چشم ادبیات می‌دید و در ادبیات تاریخ را می‌جست. در این باره خود چنین می‌گفت که «در هیچ زمینه به اندازه تاریخ وقت صرف نکردم و در هیچ زمینه هم به قدر تاریخ با دشواریهای یاس انگیز مواجه نشدم... حتی در اشتغال به حکمت و عرفان و در مطالعات راجع به کلام و ادیان همه چیز را از پشت عینک تاریخ نگاه کردم. تاریخ برای من تبلور اندیشه‌ها و تجربه‌های انسانی شد. در حکمت، در عرفان، در هنر و ادبیات مواردی بود که به جد و با تأمل جوهر و حقیقت نکته مورد نظر را در تاریخ می‌یافتیم. از همان ایام با تاریخ بزرگ شدم، با تاریخ خوگر شدم و هر جا برابیم مشکلی

پیش آمد جوابش را از تاریخ گرفتم. در مدارس سالها تاریخ تدریس کردم. از سومر و مصر تا انقلاب اکتبر و جنگ جهانی. در دانشکده‌ها تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ ادیان، تاریخ علوم، و تاریخ ادبیات و هنر موضوع عمده درس و مسأله عمده تحقیق در سالهای عمرم بود». (نقل از حکایت همچنان باقی). حاصل سالها ممارست و مطالعه وی را در متون مختلف ادبی و تاریخی عربی و فارسی در جامعیت آثار وی می‌توان دید.

ولی این جامعیت آثار تنها نتیجه تحقیق و تدبیر در متون کهن نبوده بلکه به همان میزان که او در منابع کهن مطالعه داشت در تحقیقات جدید و روشمند و تطبیقی اروپائیان نیز مسلط بود. دکتر زرین کوب در سالهای نوجوانی انگلیسی و فرانسوی را آموخت. در دوران جنگ دوم از صاحب‌منصبان ایتالیایی و آلمانی حاضر در ایران این دو زبان را نیز فرا گرفت، و بعدها در دوران تدریس در دانشگاه کالیفرنیا به یادگیری زبان اسپانیایی پرداخت. آشنایی با این زبانها به او امکان می‌داد تا از آخرین تحقیقات اروپائیان در ادبیات ایران و مشرق زمین، همچنین ادبیات تطبیقی بهره گیرد، علاوه بر آن در بنیادهای فکری غربیان بخوبی تفکر و تدبیر نماید. جامعیت آثار وی نیز از همین سرچشمه می‌گرفت که او از نگاه امروز به گذشته می‌نگریست و از نگاه سنت در پدیده‌های امروزی نظر می‌افکند. غرب را بخوبی و بر مبنای چند دهه مطالعه و تدبیر در بنیادهای فکری غربیان شناخته و آنگاه تلفیقی نیک از روشها و سنجه‌های مغرب زمین و مظهر فرهنگ و ادب ایران ارائه نمود.

با این حال بهره‌گیری وی از غربیان فقط در بر گرفتن آن دیدگاهها و سنجه‌ها محدود نمی‌شد، بلکه در روش کار نیز بسیار از آنان آموخته بود. در طول مطالعات طولانی و ممتد خود، مداوم از مطالب یادداشت برمی‌داشت که حاصل آن یادداشتها را می‌توان در تعلیقات فراوانی که در انتهای کتابهای وی جای دارند، مشاهده نمود. این تعلیقات متعدد که گاه حتی خسته کننده به نظر می‌رسند، خواننده را از دیدگاهها و نظریات موجود قدیم و جدید آگاه می‌سازد، در عین حال صحت رای نویسنده را که بر مبانی علمی و منطقی استوار گردیده نشان می‌دهد. این ویژه‌گی در آثار دکتر زرین کوب است که تحقیقات او را از سایر محققان همعصر وی متمایز و مشخص ساخته و آن را به عنوان بهترین نمونه تحقیق علمی ممتاز می‌گرداند. در عین حال در این آثار نشانه‌ای از خشکی معمول در تحقیقات علمی به چشم نمی‌خورد و همین امر موجب گردیده تا آثار دکتر زرین کوب با استقبال خوانندگان عادی و غیر

دانشگاهی نیز رو به رو شود.

براستی رمز اقبال خوانندگان معمولی به آثار زرین کوب چیست؟ چه عاملی موجب گردیده تا علی‌رغم اشاره و ذکر نامها و شخصیت‌های بیشمار و انبوه یادداشتها و نظریات متفاوت که به نظر شخص غیر محقق گیج کننده می‌نماید، کتابهای وی چون ورق زر پرخریدار و مطالب آن شیرین تر از عسل باشد؟ پاسخ این سؤال را باید در نثر زرین کوب جستجو کرد. او که برخلاف بسیاری از همعصران خود ارتباط نوشتاری با مخاطب را بر رابطه گفتاری ترجیح می‌داد، از نثری آهنگین و پر از تلمیح استفاده می‌برد که حقیقتاً معیاری برای پارسی‌نویسی صحیح در عصر ما محسوب می‌شود. بواقع ارتباط او با نسل بزرگی از مخاطبانش - حداقل از دهه چهل تا آخرین سالهای عمرش، یعنی سالهای پایانی دهه هفتاد - زیباترین ارتباط کلامی بوده و کیفیت نثر آثار وی به مکتبی خاص در مفهوم نگاری مقولات ادبی، تاریخی، و عرفانی ایران بدل گشته است.

آنچه از دکتر زرین کوب به صورت مکتوب باقی مانده موضوعهای مختلفی را در بر می‌گیرد، درست همان گونه که خود نیز در طول حیات پربارش نسبت به هر چیزی کنجکاو نشانی می‌داد. در میان آثار پرشمار وی از شعر و داستان و نمایشنامه تا مباحث تحقیقی مربوط به فرهنگ، ادیان، کلام، تصوف و تاریخ و ادبیات و نقد ادبی و فلسفه تاریخ و همچنین برخی ترجمه‌ها به چشم می‌خورد. این ترجمه‌ها یادگار دوران جوانی است و از میان آنها می‌توان به تاریخ ادبیات فرانسه (و. ل. سولینیه)، بنیاد شعر فارسی (دارمستتر). شرح قصیده ترسائیه (مینورسکی)، متافیزیک (فلیسین شاله)، برخی قطعات ادبی (نظیر مازیا اثر لرد بایرون) و مهمتر از همه فن شعر (ارسطو) اشاره کرد.

در میان تالیفات وی، نخستین گروه آثار تاریخی را باید نام برد. اگر از جزوه مختصر تاریخ تطوّر شعر و شاعری در ایران (۱۳۳۳) صرف‌نظر کنیم، نخستین



تالیف بلند دکتر زرین کوب دو قرن سکوت (۱۳۲۸) است که شاید بیش از همه آثار وی با مجادله و مناقشه رو به رو شده و احساسات تندی را له و علیه خود برانگیخته است. در هر حال آن قضاوت‌های تند در اثر تاریخی بعدی نویسنده تاریخ ایران بعد از اسلام (۱۳۴۳) تعدیل شد، گرچه این کتاب نیز در محاق سانسور زمان گرفتار شد، و فصلی از آن حذف شد. دوم آن نیز معدوم و نهایتاً فقط بخشی از جلد اول آن در سال ۱۳۵۰ منتشر گردید. گو آنکه فصل حذف شده سرانجام در دهه ۱۳۶۰ با عنوان دفتر ایام به چاپ رسید. «تاریخ ایران» گرچه به علت کثرت‌های نیمه کاره ماند و تنها جلد اول آن تا پایان روزگار صفحریان مجال چاپ یافته ولی به دلیل فصل اول خود که شامل تحقیقی منحصر به فرد در منابع تاریخ ایران است همواره محلّ مراجعه محققان قرار خواهد گرفت.

دو کتاب بعدی، بامداد اسلام (۱۳۴۶) و کارنامه اسلام (۱۳۴۸) گرچه کوتاه ولی بدون شک شاهکارهای تاریخنگاری نویسنده محسوب می‌گردند. کتاب اول به تاریخ اسلام از ظهور تا پایان دولت اموی می‌پردازد و کتاب دوم دستاوردهای اسلام را برای جامعه بشری جهانی مورد بررسی قرار می‌دهد. هر دو کتاب از نثری حماسی و لحنی موجز بهره داشته و عاری از هر گونه ایجاز مخلّ و اطناب ممل به رشته تحریر در آمده‌اند و بدون شک از آثار ماندگار نویسنده محسوب می‌گردند. کتاب بعدی تاریخ در ترازو (۱۳۵۴) حاوی تفکرات نویسنده درباره فلسفه تاریخ و تاریخنگاری است که قاعدتاً باید مبنایی برای نگارش دو اثر بعدی تاریخی وی، تاریخ مردم ایران (جلد اول ۱۳۶۴، و جلد دوم ۱۳۶۷) و روزگاران ایران (۳ جلد، ۱۳۷۵) قرار گرفته باشد هر چند که یافتن چنین رابط‌های دشوار می‌نماید. در عین حال روزگاران را می‌توان به نوعی برآورده شدن رؤیای دیرینه دکتر زرین کوب برای نگارش یک دوره کامل تاریخ ایران ارزیابی کرد و هر چند



که این اثر از ثبت کامل وقایع و رویدادهای تاریخی بسیار فاصله دارد ولی در عین حال تاملات نویسنده را درباره ادوار مختلف تاریخ ایران و نیروها و عوامل دخیل را در بر دارد.

نقد ادبی و معیارهای آن دومین گروه از آثار دکتر زرین کوب می‌باشد. نگارش رساله تاریخ تطوّر شعر و شاعری در ایران در عنوان جوانی بخوبی ردّیابی این موضوع را در اندیشه‌های نویسنده نشان می‌دهد، کما آنکه در کنار ترجمه فن شعر ارسطو، موضوع رساله دانشنامه خود را نیز به نقد ادبی اختصاص داد. این رساله پس از تکمیل با عنوان، نقد ادبی در سال ۱۳۳۸ در دو جلد به چاپ رسید که همچنان یکی از کتب مرجع فارسی در این زمینه محسوب می‌گردد. شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب (۱۳۴۶) و آشنائی با نقد ادبی (۱۳۷۲) آثار دیگر دکتر زرین کوب در بررسی و تدوین معیارهای نقد ادبی است که بویژه کتاب اول به دلیل اشتغال مباحثی در خصوص نقد شعر قدیم و معاصر واجد اهمیت است.

جدای از آثار فوق که به بررسی اصول نظری نقد ادبی اختصاص دارد، دکتر زرین کوب را باید یکی از پرکارترین نویسندگان در زمینه نقد عملی به حساب آورد. مقالات وی در این زمینه که از سال‌های جوانی در مجلات ادبی عصر همچون سخن، یغما، راهنمای کتاب و... به چاپ می‌رسید چنان تشخیص و معرفیتی داشتند که مورد علاقه بزرگانی چون ملک الشعرای بهار و علامه محمد قزوینی قرار گرفتند، و آن گونه که مرحوم حبیب یغمائی گفته است، ملک الشعرای بهار «چون مجله یغما به دستش می‌رسید نخست مقاله وی را می‌خواند و به من سفارش می‌کرد که در هر شماره از زرین کوب مقالاتی داشته باشم.» (نقل از ارمانی برای زرین کوب) ادبیات قدیم و جدید، هر دو، محل توجه دکتر زرین کوب بود، کما آنکه در سالی که به دلیل مسافرت سردبیر ثابت آن ایرج افشار، مسؤلیت سردبیری مجله راهنمای کتاب بدو سپرده شد، بخشی را برای بررسی ادبیات معاصر در آن گشود که پس از وی نیز ادامه یافت. با این همه خود گفته بود که «در نقد شعر از درگیری به آنچه «منتقد» را در مشاجرات حدّ هر روزینه وارد می‌کند عملاً پرهیز کردم، چرا که این مشاجرات محیط تفاهم می‌خواهد و بدون آن هر چه به نام نقد عرضه شود نقد بازار است.» نقش بر آب در هر حال مقالاتی چون نقد «از صبا تا نیما» و یا داورهای وی در «از گذشته ادبی ایران» از نمونه‌های ماندگار نقد ادبی صحیح و راهگشا در روزگار ماست.

تحقیقات در باب زبان و فرهنگ و نیز ادبیات ایران موضوعی بود که در سراسر دوران حیات توجه دکتر

زرین کوب را به خود مشغول داشت، و در سایه این فعالیت پیگیر توانست فهم ایستا و ناپیراسته چند نسل قبل را بتدریج و در پرتو نهضت نوین ادبی ایران دگرگون سازد. به انگار او «امروز دیگر نمی‌توان آنچه را «تاریخ ادبیات» و «سبک‌شناسی» می‌خوانند از قلمرو «نقد ادبی» بیرون شمرد. چون، آنچه نسل

اواز نگاه امروز به گذشته می‌نگریست و از نگاه سنت در پدیده‌های امروزی نظر می‌افکند. غرب را بخوبی و بر مبنای چند دهه مطالعه و تدبّر در بنیادهای فکری غربیان شناخته و آنگاه تلفیقی نیک از روشها و سنج‌های مغرب زمین و منظروف فرهنگ و ادب ایران ارائه نمود

امروز از نقاد و ادیب می‌خواهد فهم درست شعر و ادب گذشته و قضاوت درست در آن باب است. تحقیق در سرگذشت شاعر و محیط او، مطالعه در نسخه‌های موجود از آثار شاعر، شیوه زبان و بیان او، و این گونه مباحث اگرچه در جای خود مهم است لیکن به هر حال جز بدان قدر که ضرورت دارد مطلوب نیست و افراط در این بحث‌ها، سبب خواهد شد که مردم - خاصه جوانان - از ادب واقعی که مطلوب آنهاست مهجور بمانند و بیهوده در جستجوی آنچه مطلوب نیست سرگشته شوند.» (از مقدمه با کاروان حله).

مجموعه‌ای از مقالات او که با نام کاروان حله منتشر شد و حاوی تحقیقی در احوال بیست شاعر فارسی زبان از رودکی تا بهار است، به زبان اردو نیز ترجمه و منتشر شد. مقاله «جهان صائب» با گذشت چندین دهه از تالیف آن هنوز سخت خواندنی است. از گذشته ادبی ایران (۱۳۷۵) که نوعی تاریخ ادبیات محسوب می‌شود، در کنار سیری در شعر فارسی (۱۳۶۳) دانشجوی جوان را با سلاحی برای بازشناختن سره از ناسره در ادبیات فارسی مجهز می‌سازد.

در عین حال تتبع استاد تنها به زمینه‌های ادبی منحصر نمی‌گردد بلکه جنبه‌های گوناگون فرهنگ ایران از باورها و خرافات عامه مردم درباره جن یا استخاره تا آداب و سنن مردم نظیر سفره ایرانی، در کنار تحقیق در خصوص تسامح کوروشی یا «از گذشته تاریخی ایران چه می‌توان آموخت؟» که به صورت مقالات متعدّد در کتابهای نه شرقی، نه غربی، انسانی، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، و از چیزهای



طی حیات استاد منتشر گردیدند، همچنین آنچه درباره فردوسی، سعدی، و نیز کوروش کبیر در سالهای نهائی عمر خویش به رشته تحریر در آورده و قرار است از این پس منتشر گردد نشانگر پشتکار و دامنه تلاش استاد در گذشته ما دکتر زرین کوب است. آثار استاد در زمینه دین و فلسفه و مکتبهای باطنی و کلامی ششمین گروه را در دسته بندی نوشته های وی تشکیل می دهند. این علاقه وی که از سالهای جوانی در مقالاتی کوتاه چون «زندقه و زنداقه»، و «ابن تومرت، مهدی مغربی» و... تجلی می یافت، و در سالهای میانسالی در مقالاتی مفصل چون «یگانه یا دو گانه؟ کشمکش خدایان در ایران باستان»، «از آن سوی افق»، «غزالی در اعترافات و اندیشه های»، «چشم انداز فکر معاصر»، «افلاطون در ایران»، «اندیشه فلسفی: جهش ها و بن بست ها» - که عمدتاً در با کاروان اندیشه به چاپ رسیده اند - به گل نشست، در سالهای پسین عمر در کتاب گرانسنگ در قلمرو وجدان، ثمره های به بار آورد که بدون شک در قلمرو بررسی عقاید و ادیان و اساطیر نظیری برای آن نمی توان جستجو کرد. و سرانجام در آخرین مرحله باید به آفریده های ادبی دکتر زرین کوب اشاره کرد که به صورت شعر، داستان و نمایشنامه های منتشر شده و برخی از آنها همچون داستان «درختهای دهکده» و یا منظومه «با مولانای روم، از سرنی» سخت به دل می نشیند، تا حدی که شاعر پرآوازه معاصر فریدون مشیری درباره آنها چنین اظهار نظر کرده است که «بی گمان تنها همین یک شعر و تنها همین یک داستان کافی است که او را به نام شاعری توانا و داستان نویسی زبردست بشناسیم.» (نقل از یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب)

در طول این سالهای طولانی، جامعه ایران به آفتهای سیاسی و ایدئولوژیک بسیاری دچار شد، اما زرین کوب جز صراط مستقیم فرهنگ و ادب و تاریخ ایران راهی برنگزید و شصت سال بی در پی در آفاق این حقیقت متعالی - ادب و فرهنگ ایران - زیست. زرین کوب فهم ظریف و دید ژرفی را نسبت به ادبیات کلاسیک ایران عرضه کرد و این نگاه و روایت جدید یعنی نقد و تحلیل و تصحیح آثار ادبی - اعم از منظوم و منثور - اتفاقاً همان نوشداری عزیز بود که برای ماندن در جهانی که به سوی «جهانی شدن» و هضم فرهنگ های مقاوم پیش می رود، نیازمندش هستیم.

دیگر گرد آمده اند، نشانگر وسعت دامنه تحقیقات وی در زمینه فرهنگ ایران است.

ولی کلام محقق است که به تحقیق در عرصه ادب و فرهنگ ایران بپردازد و بتواند از بحث درباره آنچه که یکی از پرشکوه ترین و رفیع ترین قله ادبیات و فرهنگ فارسی شمرده می شود، یعنی تصوف و عرفان، برکنار بماند. به واقع آثاری که دکتر زرین کوب در این پهنه آفریده، از بدیع ترین و ابتکاری ترین نوشته های وی است. در اینجا ما نه فقط با نثر و کیفیت تدوینی منحصر به فرد، بلکه با دیدگاهی نو و نگاهی تحلیلی - انتقادی آشنا می شویم. بهترین نماینده این آثار هم به لحاظ ساختاری، هم بحث نظری، هم نثر عالی و هم محتوای منحصر به فرد در ایران همانند ندارد. ارزش میراث صوفیه جستجو در تصوف ایران، و دنباله جستجو در تصوف ایران اینک به کتابهایی مرجع و ماندگار در موضوع خود تبدیل شده است.

پنجمین گروه از نوشته های دکتر زرین کوب را تک نگاریهای متعدد او درباره بزرگان ادب و عرفان فارسی تشکیل می دهد. از این دسته آثار اوست از کوچه رندان درباره حافظ که با بررسی منابع عصر و جستجو در اشعار شاعر با بیانی شیوا و بلیغ به باز سازی وقایع دوران حیات وی بویژه در شیراز پرداخته و از خلال آن در زندگی و سپس در اندیشه شاعر به کندوکاو می پردازد و پس از نومیذی از یافتن وی در مسجد و خانقاه سرانجام سراغ او را در کوچه رندان می گیرد. فرار از مدرسه همچون اثر پیشین تسلط نویسنده را بر منابع عصر و رویدادهای تاریخی دوران حیات امام محمد غزالی بخوبی نمایان می سازد، و صدای بال سیمرغ به زندگی و اندیشه عطار می پردازد، و همانندی بسیار وی را با امام محمد غزالی کشف می کند. در دیدگاه دکتر زرین کوب غزالی و عطار دو پایه مثلثی هستند که راس آن را مولوی تشکیل داده و بر روی هم تجلی گاه اوج عرفان ایرانی هستند. حاصل تلاشهای استاد برای بررسی متعالی ترین چهره عرفان ایرانی یعنی مولوی که در کتابهای سرنی، بحر در کوزه، پله پله تا ملاقات خدا، و کتاب گمشده نردبان آسمان، که او را به عنوان یکی از خبره ترین مولوی شناسان عصر ما مطرح می سازد. دیگر تک نگاریهای وی یعنی شعله طور درباره زندگی و اندیشه حلاج، و پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد درباره نظامی گنجوی و خمسه بی مانند او، که در

بحران هویت که گریبان همه ملت های پیرامونی را گرفته، با تلاش مردانی سترگ همچون زرین کوب، نتوانسته است در حقیقت و مبانی فرهنگ و هویت تمدنی ایرانیان خللی وارد آورد. چنین حقی که زرین کوب برعهده همه ما دارد و رمزهای مصونیت ذهن ایرانی، از بیگانگی و هدم و غارت را به تک تک شاگردان و خواندگانش آموخته است. بزرگترین میراث این استاد ارجمند و همان داستان گویا و شیوای زندگی اوست.

